

موارد لزوم و آثار تفکیک دعاوی

ریمایمیرا قدم*

زهرا بختیاری**

چکیده

خواسته هر دعوی حقوقی، اساسی‌ترین رکن آن محسوب می‌شود و به همین دلیل دقت در نحوه تعیین خواسته ضرورت دارد؛ زیرا تشخیص نوع خواسته از حیث مالی بودن یا غیرمالی بودن و بهای آن در دعاوی مالی، از حیث میزان هزینه‌های دادرسی، صلاحیت مراجع رسیدگی و قابلیت تجدیدنظر یا فرجام حکم، از اهمیت بسیاری برخوردار است. در مواردی که دعاوی متعدد ضمن یک دادخواست مطرح می‌شود، قاضی دعاوی مختلفی را که ضمن یک دادخواست طرح شده یا به جهاتی دیگر ضمن یک پرونده در دست رسیدگی است، از هم تفکیک نموده و به هر کدام جداگانه و در صورت داشتن صلاحیت رسیدگی می‌نماید. این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که تفکیک دعاوی در چه مواردی باید صورت گیرد و تفکیک دعاوی با منشأ واحد چه آثاری را در پی خواهد داشت. در این مقاله یک رأی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در آن خواسته الزام به تنظیم سند رسمی از خواسته دیگر، یعنی مطالبه خسارت تأخیر در انجام تعهد (وجه التزام قراردادی)، با این استدلال که خواسته دوم مربوط به ملک غیرمنقول نبوده و راجع به تخلف شخص از انجام تعهد قراردادی است، از سایر خواسته‌ها تفکیک شده و با توجه به تقویم آن به کمتر از دویست میلیون ریال، قرار عدم صلاحیت صادر و رسیدگی به آن در صلاحیت شورای حل اختلاف دانسته شده است. تفکیک دعاوی در صورتی که هر دو خواسته دارای منشأ واحد قراردادی هستند، منتج به رسیدگی به پرونده در شعب متعدد و اطلاع دادرسی خواهد شد که با مؤلفه‌های تحلیل اقتصادی نیز هماهنگی ندارد.

واژگان کلیدی: دعاوی متعدد، تعدد دعاوی، تفکیک دعاوی

* استادیار گروه علوم قضایی، موسسه آموزش عالی رسام، کرج، ایران (نویسنده مسئول) raai1363@gmail.com

** دکتری تخصصی حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران samerehbakhtiari@yahoo.com

مقدمه

در این پرونده، دعوی خواهان با خواسته الزام به تنظیم سند رسمی، اخذ پایان کار، صورت مجلس تفکیکی به انضمام خسارت تأخیر در انجام تعهد مطرح شده است. دادگاه در این پرونده باتوجه به مبیعه‌نامه مستند دعوی و پس از استعلام از ثبت و احراز مالکیت خوانده بر ملک موضوع دعوی، حکم به محکومیت وی به اخذ پایان کار، صورت مجلس تفکیکی و تنظیم سند رسمی به نام خواهان صادر کرده است. در خصوص خواسته دیگر، یعنی مطالبه خسارت تأخیر در انجام تعهد (وجه التزام قراردادی)، این خواسته با این استدلال که مربوط به ملک غیرمنقول نبوده و راجع به تخلف شخص از انجام تعهد قراردادی است، از سایر خواسته‌ها تفکیک شده و باتوجه به تقویم آن به کمتر از دویست میلیون ریال، قرار عدم صلاحیت صادر و رسیدگی به آن در صلاحیت شورای حل اختلاف دانسته شده است. اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا این مورد از موارد تفکیک دعاوی است یا خیر؛ زیرا تفکیک دعاوی در مواردی که دعاوی منشأ واحد دارند آثار زیادی را به همراه دارد که به آن‌ها خواهیم پرداخت. در این نوشتار به بررسی رأی فوق‌الذکر از منظر تفکیک دعاوی و استدلال صورت گرفته در رأی و آثار آن می‌پردازیم.

مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه: ۹۸۰۹۹۷۰۲۴۲۳۰۱۱۱۸

تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۶/۳۰

خواسته: الزام به تنظیم سند رسمی و مطالبه وجه التزام قراردادی

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۱۲۶ مجتمع قضائی شهید باهنر تهران

متن رأی

دادگاه باتوجه به دادخواست تقدیمی خواهان و مبیعه‌نامه منعقد فی مابین خواهان و فروشنده سازنده خوانده اول و قرارداد مشارکت در ساخت فی مابین سازنده و مالک رسمی که سازنده یک واحد از سهام خود را به خواهان فروخته است جملگی حکایت از انعقاد بیع شرعی دارد نظر به این که اخذ پایان کار و اخذ صورت مجلس تفکیکی و تنظیم سند رسمی از لوازم و آثار قرارداد مزبور و مقدمه واجب است و تکلیف قانونی فروشنده و سازنده است که مقدمات تنظیم سند رسمی را فراهم نماید و تکلیف قانونی طرفین است که معاملات را در دفتر اسناد رسمی ثبت نمایند و مدلول قرارداد بنا به قواعد لزوم و صحت و به تبعیت از اصل حاکمیت اراده برای طرفین متبع و لازم‌الرعایه است و این که دلیلی بر ایفا یا اسقاط تعهداتی از ناحیه خواندگان ابراز نشده و پاسخ استعلام واصله از اداره ثبت و اسناد نیز مؤید مالکیت خواندگان می‌باشد و پاسخ ثبتی حاکی از عدم اجرای تعهدات است؛ علی‌هذا دعوی خواهان

وارد و ثابت تشخیص مستنداً به ۱۹۸ و ۵۱۵ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و مواد ۱۰، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۳۷، ۲۲۳، ۳۶۲، ۳۷۶، ۱۲۵۷، ۱۲۷۵ و ۲۳۴ قانون مدنی، حکم به الزام فروشنده و سازنده و طرف قرارداد با خواهان خوانده اول به اخذ پایان کار و اخذ صورت‌مجلس تفکیکی و پس از صورت‌مجلس تفکیکی و معین شدن قطعه تفکیکی حکم به الزام خواندگان به حضور در یکی از دفاتر رسمی ثبت اسناد و املاک و انتقال مبیع به شرح مندرج در مباحثه‌نامه و به شرح فوق و به شرح مندرج در پاسخ استعلام ثبتی شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان از یک قطعه زمین پلاک ثبتی به شماره ... حکم به محکومیت خوانده اول به پرداخت مبلغ ریال تمبر و مبلغ ... ریال تعرفه خدمات، مجموعاً به عنوان هزینه دادرسی طبق تعرفه در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید. هزینه‌های اجرایی نیز بر عهده خوانده اول است. رأی صادره نسبت به خوانده اول به لحاظ ابلاغ واقعی اختاریه از طریق سامانه ثناء الکترونیک با مشاهده رأی صادره نسبت به خوانده ردیف دوم به لحاظ دفاع حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی در دادگاه محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

قرار عدم صلاحیت

در خصوص دعوی خواهان به طرفیت خوانده، به خواسته مطالبه خسارات تأخیر انجام تعهد از تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۲ صرف‌نظر از این که این خواسته در ستون دادخواست تحریر نشده است؛ هزینه دادرسی آن پرداخت نشده است. فقط در انتهای شرح دادخواست مرقوم شده است نظر به این که خواسته خسارت قراردادی تأخیر در انجام تعهد است و اگر چه مورد معامله ملک غیرمنقول است لکن خسارت تأخیر در انجام تعهد مربوط به ملک غیرمنقول نیست؛ راجع به تخلف شخص از انجام تعهد قراردادی است. نفس نقض تعهد ملاک است و ربطی به موضوع تعهد ندارد. خواسته، خسارت قراردادی و وجه التزام قراردادی است. مطالبه وجه براساس قرارداد است. خواسته مالی است و کمتر از دویست میلیون ریال تعیین و تقویم شده است؛ حتی اگر مجموع خواسته‌های خواهان محاسبه شود کمتر از دویست میلیون ریال است. دادگاه صالح نمی‌باشد. شورای حل اختلاف تهران صالح می‌باشد. لذا طبق بند (الف) ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۰۸/۱۰ مطالبه خواسته وجه نقد و مالی که تا دویست میلیون ریال، در صلاحیت شورای حل اختلاف می‌باشد. با توجه به این که ملاک صلاحیت، اصل خواسته است و مشمول هزینه دادرسی و تأخیر تأدیه و خسارات قانونی نمی‌گردد؛ اصل خواسته ملاک صلاحیت است لذا مستنداً به مواد ۱۰ و ۳۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و بند (الف) ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۰۸/۱۰ قرار عدم صلاحیت به اعتبار شایستگی شورای حل اختلاف شهرستان تهران صادر و اعلام می‌گردد.

رئیس شعبه ۱۲۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران

۱. بررسی

ابتدا باید اشاره کرد هدف از وضع قانون ایجاد نظم و امنیت اجتماعی و

جلوگیری از بی‌نظمی و اصطکاک منافع افراد جامعه است، زیرا انسان‌ها ناچار به زندگی در کنار یکدیگرند و اجتماع را نظمی باید؛ به همین خاطر است که گفته شده: «حقوق علم به قواعد زندگی در اجتماع است» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۸) و هدف از رعایت این قواعد، تحقق عدالت اجتماعی است که چنانچه به آن‌ها توجه نشود، مواردی مانند تفکیک خواسته‌ها در شرایطی که دادگاه رسیدگی‌کننده صالح به رسیدگی به آن نیز هست، مانع از تحقق این امر خواهد بود.

خواسته هر دعوی حقوقی، اساسی‌ترین رکن آن تلقی می‌گردد که صرف‌نظر از ضرورت دقت در نحوه تعیین خواسته، به سبب وابستگی سرنوشت دادرسی به درستی و صحت عملکرد خواهان در این خصوص، تشخیص نوع خواسته از حیث مالی بودن یا غیرمالی بودن و بهای آن در دعوی مالی، از حیث میزان هزینه‌های دادرسی، صلاحیت مراجع رسیدگی و قابلیت تجدیدنظر یا فرجام حکم، از اهمیت بسیاری برخوردار است. (اسدی، ۱۳۹۷: ۴۸۳)

در قانون آیین دادرسی مدنی ایران عنوانی تحت «جمع و تفکیک بین دعاوی و تجزیه یک دعوی به چند دعوی»، پیش‌بینی نشده است، اما از مواد ۱۷، ۶۵، بند ۲ ماده ۸۴، ۱۰۳، قسمت اخیر مواد ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۷۹ و ۳۵۹ قانون آیین دادرسی مطالبی در این خصوص قابل استنباط است.

منظور از تفکیک بین دعاوی این است که قاضی دعاوی مختلفی را که ضمن یک دادخواست طرح شده یا به جهاتی دیگر ضمن یک پرونده در دست رسیدگی است، از هم تفکیک نموده و به هرکدام جداگانه و در صورت داشتن صلاحیت، رسیدگی نماید. ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی در این مورد مقرر کرده است: «اگر به موجب دادخواست دعاوی متعددی اقامه شده باشند که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته و دادگاه نتواند ضمن یک دادرسی به آن‌ها رسیدگی کند، دعاوی اقامه‌شده را تفکیک و به هر یک، در صورت صلاحیت، جداگانه رسیدگی می‌کند...» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دادگاه در صورت تشخیص عدم لزوم رسیدگی توأمان، دعاوی متعدد را از یکدیگر تفکیک می‌نماید.

ماده ۱۰۳ قانون مذکور نیز مقرر می‌دارد: «اگر دعوی دیگری که ارتباط کامل با دعوی طرح‌شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آن‌ها یک‌جا رسیدگی می‌نماید...» همچنان‌که در این ماده مقرر شده است، جمع بین دعاوی در فرضی جایز است که بین دو دعوی ارتباط کامل باشد، بنابراین مفهوم مخالف این ماده این است که اگر بین

دو دعوی ارتباط کامل وجود نداشته باشد، باید دعاوی به صورت جداگانه رسیدگی شوند. تعیین خواسته باید باتوجه به منشأ حق و در محدوده آن صورت گیرد و این موضوع به موجب ماده ۵۱۵ این قانون دارای استثناء مهمی است (شمس، ۱۳۸۴: ۳۸ و ۳۹) و در آن مقرر شده است: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثناء دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خوانده نسبت به اداء حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، ... از خوانده مطالبه نماید. ... در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرارداد رفتار خواهد شد.» بنابراین دادگاه مکلف است به این خواسته‌ها در کنار خواسته اصلی خواهان رسیدگی نماید.

در پرونده مورد بررسی، خواسته اصلی نیز منشأ قراردادی دارد و منشأ خواسته الزام به تنظیم سند رسمی را که نمی‌توان مال غیرمنقول در نظر گرفت و از منشأ قراردادی آن صرف نظر کرد، که قاضی با این استدلال رأی جداگانه در خصوص خواسته‌ها صادر کرده است. توجه به این نکته ضروری است که تفکیک دعاوی و صدور قرار عدم صلاحیت در خصوص آن‌ها آثار زیادی را برای طرفین دعوی دارد:

۱.۱. تفاوت در مرجع تجدیدنظر

باتوجه به صدور رأی در مورد این خواسته، مرجع تجدیدنظر خواسته الزام به تنظیم سند رسمی، دادگاه تجدیدنظر استان و مرجع تجدیدنظر خواسته مطالبه خسارت تأخیر در انجام تعهد، دادگاه‌های عمومی حقوقی خواهد بود و این تعدد شعب برای رسیدگی به خواسته‌های ناشی از یک قرارداد، نه تنها طرفین را دچار سردرگمی می‌کند، بلکه موجب درگیری شعب متعددی از دادگاه‌ها در رسیدگی به دعاوی ناشی از یک قرارداد می‌شود.

۱.۲. اطلاع دادرسی

درگیری حداقل دو شعبه بدوی و شورای حل اختلاف و دو شعبه تجدیدنظر و دادگاه بدوی در رسیدگی به این پرونده، بررسی قرارداد و آراء صادره موجب اطلاع رسیدگی شده که به هیچ وجه به مباحث سرعت در رسیدگی، تسریع در احقاق حق اصحاب دعوی و همچنین با مبحث هماهنگی با مؤلفه‌های تحلیل اقتصادی همخوانی ندارد.

۱.۳. عدم هماهنگی با مؤلفه‌های تحلیل اقتصادی

از دیدگاه طرفداران تحلیل اقتصادی، هدف تمام قواعد و نهادهای حقوقی باید

رسیدن به «کارایی»^۱ یا «افزایش ثروت»^۲ و یا «نقطه تعادل»^۳ باشد؛ چنانچه قواعد و نهادهای موجود نتوانند این اهداف را برآورده سازند باید اصلاح گردند یا تغییر داده شوند. در صورتی که تفسیر ارائه شده از قانون برای مثال در بحث جمع یا تفکیک دعاوی منطبق با واقعیات اقتصادی، اجتماعی و ... نبوده، موجب اطاله دادرسی گردد، کارآمد نبوده و حتی اگر تفسیر دادگاه رسیدگی کننده را در این پرونده صحیح تلقی کنیم، از آن جا که روند تغییر یا اصلاح قانون به طول می انجامد، این رویه قضایی است که می تواند با ارائه یک تفسیر متناسب و منطبق با واقعیات آن مقطع زمانی، هدف قواعد حقوقی را در راه رسیدن به «کارایی» برآورده سازد.

۲. نقد

با توجه به نکات مذکور در فوق در خصوص پرونده مورد بررسی می توان نکاتی را مطرح کرد:

۱- هر دادخواست حاوی یک دعوی است و تعدد خواسته که به تعدد دعوی می انجامد، خلاف اصل است و باید علتی برای پیوند آن دعاوی در یک دادخواست وجود داشته باشد. (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۱۰) دلیل تفکیک خواسته های مطرح شده در این دادخواست این استدلال است که دعوی الزام به تنظیم سند رسمی مربوط به ملک غیرمنقول است، اما خواسته مطالبه خسارت تأخیر در انجام تعهد راجع به تخلف شخص از انجام تعهد قراردادی است؛ اما مگر نه این است که حکم الزام به تنظیم سند رسمی نیز ناشی از پذیرش تعهد به انتقال ملک در تاریخ مقرر در قرارداد بیع فی مابین طرفین است؟ لذا نمی توان اصل تعهد قراردادی و خسارت ناشی از تأخیر در آن را که به موجب قرارداد تعیین شده است، ناشی از دو منشأ جداگانه دانست. چگونه می توان این دعاوی را به گونه ای بی ارتباط با یکدیگر فرض کرد که دادگاه نتواند در یک دادرسی، به آن ها رسیدگی کند. آیا منشأ قراردادی واحد علت موجهی برای پیوند این دعاوی محسوب نمی شود؟

۲- تشخیص ارتباط کامل در رسیدگی به دعاوی و لزوم تفکیک آن ها از یکدیگر به عهده قاضی خواهد بود؛ اگر تشخیص داد که دعاوی متعدد با هم ارتباط کامل

1. Efficiency
2. Wealth maximization
3. Balance point

دارند باید به همه دعاوی با یکدیگر رسیدگی نماید؛ زیرا همانگونه که مطرح شد اتخاذ این تصمیم آثار زیادی را به همراه دارد. بنابراین در این فرض قاضی مکلف است به همه دعاوی با هم رسیدگی نماید. (هرمزی، ۱۳۹۷: ۱۹۷ و ۱۹۸) عاملی که دستگاه قضایی را در ایفاء نقش خود در وضع اصول و قوانین کمک می کند، تدوین قواعد و قوانین به صورت جزئی و تفصیلی نیست؛ بلکه ایجاد فرصت برای قاضی جهت تأویل و تفسیر قانون براساس شرایط موجود در صدور حکم می باشد. (الظریفی، ۱۹۵۳: ۱۲) این قدرت رویه قضایی است که می تواند به کمک تفسیر قانون به ارائه تفسیری منطبق با واقعیت ها بپردازد؛ رویه قضایی عامل مهمی در تحقق نظم حقوقی است.

نتیجه گیری

در این مقاله یک رأی مورد بررسی قرار گرفت که در آن خواسته الزام به تنظیم سند رسمی از خواسته دیگر، یعنی مطالبه خسارت تأخیر در انجام تعهد (وجه التزام قراردادی)، با استدلال تفاوت در منشأ از هم تفکیک شده بودند و علی رغم این که دادگاه صلاحیت رسیدگی به خواسته دوم را داشت، اقدام به صدور قرار عدم صلاحیت نموده بود. تفکیک دعاوی در صورتی که هر دو خواسته دارای منشأ واحد قراردادی هستند و دادگاه رسیدگی کننده به خواسته اصلی، صلاحیت رسیدگی به سایر خواسته ها را نیز دارد، آثاری مانند تفاوت در مرجع تجدیدنظر، اطاله دادرسی و ... را به همراه دارد که خود با تحقق عدالت اجتماعی و مؤلفه های تحلیل اقتصادی حقوق در مغایرت است. امروزه که ناممکن است کسی بخواهد منکر ویژگی هنجاری رویه قضایی در حقوق مدنی شود و باید وجود این منبع مستقل حقوق را به رسمیت شناخت، رویه قضایی عامل مهمی در تحقق نظم حقوقی است و با فقدان قوانین که از هر حیث جامع و کامل باشند، بهتر است از تصمیمات مشابه برای نیل به عدالت و امنیت قضایی برای پر کردن خلأهای قانونی استفاده کنیم.

اگر در پرونده هایی مشابه پرونده مورد بررسی، دعاوی متعدد ضمن یک دادخواست که باهم دارای ارتباط کامل و نیز وحدت منشأ هستند، یک جا و توسط یک دادگاه رسیدگی شوند، موجب سرعت بیشتر در رسیدگی خواهد بود و با توجه به ارتباط کامل خواسته ها، قاضی رسیدگی کننده می تواند با تسلط بیشتر بر وقایع پرونده مورد رسیدگی در مورد خواسته های مرتبط نیز مبادرت به صدور رأی نماید.

منابع

- اسدی، بهنام (۱۳۹۷)، «نگاهی بر مسائل مرتبط با خواسته دعوی»، مجله علمی حقوقی قانون یار، دوره ۲، شماره ۷.
- الظریفی، حسین (۱۹۵۳)، مدی حریره القاضی ازاء القانون، بحث منشور فی مجله القضاء، العدد الثانی و الثالث.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳)، حقوق دعاوی، قواعد عمومی دعاوی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دراک.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هرمزی، خیرالله (۱۳۹۷)، «جمع و تفکیک بین دعاوی و مقایسه آن با تجزیه یک دعوی به چند دعوی در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۲۳.